

موضوع:

نگاهی به شخصیت عمرو بن عاص با تأکید بر شیوه های سیاسی او

## چکیده

عمرو بن العاص از زیرکان مشهور عرب و از قبیله قریش بود. پدرش عاص بن وائل و مادرش نابغه نام داشت. اوایل از مخالفین اسلام و از دشمنان سرسخت محمد در مکه بود. زمانی که مسلمانان به حبشه هجرت کردند، بزرگان قریش عمرو عاص را به سرپرستی گروهی به حبشه فرستادند تا از پادشاه حبشه بخواهند که مسلمانان را تسلیم کند ولی نجاشی نپذیرفت. او قبل از فتح مکه و به شرط این که بدی های گذشته اش بخشیده شود مسلمان شد. پیامبر بعد از مسلمان شدنش فرماندهی سریه «ذات السلاسل» را به او داد. در دوران خلافت ابوبکر در نبردهای اجنادین و یرموک و فتح شام (دمشق) شرکت داشت. در دوران خلافت عمر مدتی والی فلسطین شد و آنگاه مأمور فتح مصر شد و پس از فتح مصر حاکم آنجا شد. زمانی که عثمان به خلافت رسید، عبدالله بن سعد را به جای عمرو عاص حاکم مصر کرد. به همین سبب او یکی از تحریک کنندگان قتل عثمان بود و بعد از قتل عثمان به معاویه پیوست. او با نیرنگ های سیاسی به ویژه در جنگ صفین که با قران به نیزه کردن کار را به حکمیت و خلافت معاویه رساند، موجبات تحکیم خلافت معاویه و تزلزل موقعیت علی بن ابیطالب را فراهم کرد. یک سال بعد، معاویه عمرو عاص را به مصر فرستاد. او محمد بن ابی بکر را که والی مصر بود کشت و خود حاکم آنجا شد. عمرو عاص تا زمان مرگش حاکم مصر باقی ماند و سرانجام در اول شوال سال ۴۳ قمری و در ۹۱ سالگی درگذشت.

## مقدمه

بی تردید انقلاب عظیم پیامبر در شبه جزیره عربستان پس از رسیدن به مقام نبوت به کمک یاران صدیق حضرت پیروزی های روزافزون و چشمگیر یافت. همانطور که صحابه پیامبر او را در انجام رسالتش یاری می رساندند و اسلام را پیش می بردند ، دشمنان حضرت نیز با ایجاد موانع مختلف، حرکت اصلاحی او را با مشکلات سختی مواجه می ساختند. پیامبر و یارانش در مکه دوران سختی را گذراندند. کفار قریش با اذیت و آزارهای فراوانی که در حق رسول خدا و صحابه ایشان روا می داشتند ، گمان می کردند که سرانجام پیروز خواهند شد.

عدم موفقیت کفار در قتل حضرت در مکه و هجرت معجزه آسای پیامبر به مدینه ، شرایط جدیدی را برای مسلمانان و مشرکان به وجود آورد که می بایست به گونه ای بسیار متفاوت از گذشته عمل می کردند. همان طور که مسلمانان در مدینه با راهنمایی های رسول خدا در جهت تشکیل دولت اسلامی و بسط و گسترش آن به سرعت پیش می رفتند ، مشرکان مکه و دیگر دشمنان نیز با زیر نظر داشتن رفتار مسلمانان در مدینه، برای ساقط کردن تشکیلات پیامبر سه جنگ عظیم را بر حضرت تحمیل نمودند. پیروزی مسلمانان در جنگ خندق و سپس به رسمیت شناختن دولت اسلامی مدینه در صلح حدیبیه از سوی دشمنان دیروز، شرایط را به نفع پیامبر تغییر داد. پس از این وقایع ، برخی از سران قریش که سقوط مکه را قریب الوقوع می دیدند با هجرت به مدینه مسلمان شدند و دیگر مخالفان پیامبر نیز ، پس از فتح مکه با انگیزه های متفاوت به جرگه مسلمانان پیوستند و اسلام آوردند.

پیش از فتح مکه ، به استثنای چند نفر، اکثریت قریب به اتفاق صحابه پیامبر کسانی بودند که با شناخت اسلام و علاقه قلبی به آن ایمان آورده بودند و در دفاع از حضرت جان خود را به خطر می انداختند. اما پس از فتح مکه غالب کسانی که مسلمان شدند از سر اجبار و به خاطر حفظ جانشان مسلمان شدند. پیامبر با دسته اخیر از مسلمانان که در تاریخ تحت عنوان «طلقاء آزادشدگان» از آنها

یاد می شود، با عطوفت و مهربانی برخورد نمود و همه آنها را بخشید و حتی برای جذب آنها به اسلام از غنائم جنگی سهمی بیشتر به آنها عطا فرمود.

پیامبر با این دسته از مسلمانان و چند نفری که بعد از شرکت در جنگها علیه پیامبر، مسلمان شده بودند به حسب ظاهرشان رفتار می کرد و زمینه هدایت آنها را با واگذاری برخی مسئولیتها به آنها فراهم می نمود. پس از رحلت پیامبر جمعی از علما با به دست گرفتن خلافت و کنار زدن عده ای دیگر، متولی اداره جامعه نوپای اسلامی گردیدند و آن گونه که خود می پسندیدند حکومت نمودند.

یکی از مشکلات عمده بعد از رحلت پیامبر ضعف بینش در تشخیص دوست از دشمن توسط بسیاری از صحابه بود و این امر به مرور زمان مشکلات بسیاری را به وجود آورد. اگر مسلمانان صدر اسلام و مشخصاً مسلمانان دوره حکومت علی (ع)، دوستان و دشمنان حقیقی خود و خدا را به دقت می شناختند و بر این اساس عمل می نمودند، سه جنگ مصیبت بار جمل، صفین و نهروان بر علی (ع) تحمیل نمی شد و توان حضرت را در اصلاح جامعه آشفته آن روز به تحلیل نمی برد و پس از علی (ع) دشمنان خدا و رسول خدا بر مسند خلافت، به نام دین، بزرگ ترین ضربات را به اسلام و مسلمین وارد نمی آورند.

بنابراین شناخت به موقع و دقیق دوستان و دشمنان برای همه مسلمانان و جوامع اسلامی و در هر عصر و زمان، امری حیاتی و ضروری است و تا زمانی که این معرفت حاصل نشود، چه بسا ممکن است کوچکترین عمل مسلمانان بزرگ ترین ضربه را به آنها وارد کند.

فصل اول

# کلیات

## ۱-۱- بیان مسأله تحقیق:

مطالعه زندگی کسانی که به نحوی در حوادث و وقایع سیاسی اجتماعی عصر خویش سهمی داشتند لازم و ضروری است. این شخصیت ها با توجه به عملکرد و قضاوت تاریخ درباره آنها در دو گروه جای می گیرند. اول کسانی که زندگی سعادت‌مند را برگزیده و از خود نامی نیک به جا گذارده اند و دوم کسانی که با اتخاذ رویه نامناسب و انجام اعمال قبیح و سوءاستفاده از موقعیت خود، یاد و خاطره زشتی در اذهان به یادگار گذاشته اند.

در جامعه ما تحقیق و پژوهش چنین شخصیت هایی مقبول و پسندیده نیست ولی با اعتقاد به اینکه خوبی و نکات مثبت یک شخصیت زمانی نمایان می شود که در کنار شخصیتی متضاد با خویش قرار گیرد و بنابر این زندگی این افراد نیازمند پالایش و زدودن مجدد است.

بررسی زندگی کسانی مانند عمرو بن عاص و معاویه که تظاهر به اسلام می نمودند و شناخت دقیق مواضع و عملکرد آنها در مقاطع مختلف تاریخ اسلام، ما را به علل وقوع بسیاری از حوادث صدر اسلام رهنمون می سازد. زیرا آنان با همکاری جمعی دیگر از صحابه موجب تغییر و تحولات زیادی در جامعه اسلامی شده اند. تا معاویه، عمرو بن عاص، مغیره و امثال ایشان را خوب نشناسیم، توانایی شناخت عمیق زندگی امامان معصوم (ع) و قدرت درک علل اقدامات آنها را در دوران حکومت و حیات‌شان پیدا نخواهیم کرد.

## ۱-۲- هدف های تحقیق:

هدف اصلی بررسی شناخت شخصیت عمرو بن عاص به عنوان یکی از خواص باطل، نشان دهنده این مسأله است که بی توجهی به امر حیاتی دشمن شناسی در صدر اسلام از سوی عده کثیری از مسلمانان چه ضربات جبران ناپذیری بر آنها وارد کرده و استعداد و توانایی یک نفر مانند عمرو بن عاص در انحراف اسلام و مسلمانان از مسیر حقیقی تا به چه میزان بوده است.

## ۱-۳- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن:

تدوین تاریخ، سرگذشت حیات و فرهنگ یک قوم و ملت است و شناخت لازم درباره چهره های موثر تاریخی در نمایاندن هر چه صریح تر واقعیت های سیاسی و مذهبی آن دوران ضرورتی انکارناپذیر است.

شناخت شخصیت های تاریخی برای هر ملت در حقیقت یک نوع خودشناسی و آگاهی به منابع تاریخی و موجودیت هر فرد و شناسنامه ملی آن قوم است که تنها با شناخت و آگاهی می توان به ارزش سیاسی و تاریخی آن ملت پی برد.

شخصیتهایی مثل مالک اشتر، سلمان فارسی و عمار جایگاهشان نزد شیعه محفوظ است و عموم مردم اطلاعاتی هر چند مختصر از آنها در ذهن دارند. ولی شناخت مردم از افرادی که در پیچ و خم تاریخ و به علت تعصبات مذهبی به کنار گذاشته شده اند بسیار سطحی و محدود است.

بدین ترتیب بر آن شدم تا یکی از چهره های تاریخی را از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار دهم تا خوانندگان با نگرش صحیح در مورد او به قضاوت بنشینند.

#### ۱-۴- سوالات و فرضیه های تحقیق:

از جمله پرسش ها و پاسخ هایی که مطرح می شود هویت واقعی بسیاری از شخصیت های تاریخی و سهم حقیقی آنان در حوادث تاریخ است. شخصیت هایی که هر چند به دلایل گوناگون هرگز نتوانستند به عنوان خلیفه یا سلطان در مرکز و محور حکومت قرار گیرند اما به عنوان سلسله جنبان بسیاری از تحولات و رویدادهای تاریخی نقش اساسی داشته اند. عمروبن عاص یکی از آنهاست.

سوال اصلی این است که آیا شناخت شخصیت عمروبن عاص ممکن است؟ شیوه ها و راهکارهای سیاسی عمروبن عاص در دوره خلافت معاویه چگونه بوده است؟ نقش عمروبن عاص در ماجرای حکمیت چه بود؟

حال در این خصوص این سه فرضیه مطرح است ؛

عمروبن عاص که در دوره جاهلیت یکی از دشمنان سرسخت پیامبر بود، با برنامه و نقشه حساب شده اسلام آورده است.

دوم این که گرچه تا زمان حکومت بر مصر در مسیر دینداری بوده است اما بعد از عزل از حکومت ، دین خود را به دنیای خود فروخت و به معاویه پیوست.

سوم این که لشکر علی (ع) پیروزی نهایی در جنگ صفین را به واسطه خدعه و نیرنگ «عمرو بن عاص» با شکست عوض کردند.

#### ۱-۵- روش تحقیق:

روش کار به صورت مطالعات کتابخانه ای و گرد آوری منابع بوده است. به دلیل شفاف بودن مواضع عمرو و کثرت روایات درباره زندگی اش ، از تحلیل ها و پیش داوری های بی مورد بی نیاز بوده ایم و فقط هنگام تضاد روایات پیرامون برخی موضوعات ، تلاش کرده ایم با تجزیه و تحلیل روایات به سوی حقیقت حرکت کنیم.

#### ۱-۶- قلمرو تحقیق:

تاریخ اسلام به ویژه در سده نخستین، گرچه از هر جهت بسیار حساس، جذاب و پر رمز و راز است اما شاید بتوان گفت به نسبت طول زمان و وسعت مکان و حجم مطالبی که درباره یک برهه از تاریخ نوشته شده است ، فراوانی نام اشخاص در تاریخ آن سده در میان کتب تاریخی بی سابقه است. قلمرو تحقیقی ما شامل زندگی عمرو بن عاص پیش از ظهور اسلام ، دوره پیامبر و حضور در غزوات و دوره بعدی روزگار معاویه و استانداری مصر می باشد.

#### ۱-۷- محدودیت ها و مشکلات تحقیق:

پژوهش درباره هر موضوعی بطور طبیعی مشکلاتی به دنبال دارد. بزرگ ترین مشکل درباره شرح حال شخصیت های تاریخی دستیابی به منابع معتبر و قابل استفاده است. چرا که بدون مطالعه و بررسی دقیق منابع درجه اول ، شناخت جامع مقدور نخواهد بود.

تکیه بر روایات تاریخی صدر اسلام ، با توجه به فاصله زمانی نسبتاً طولانی بین زمان وقوع حوادث تا زمان نگارش آنها و تعدد راویان و سلسله اسناد، دشوار است. به خصوص در مورد شخصیت های



تاریخی که از یک سو نیات درونی و نیمه های پنهان اشخاص و از سوی دیگر حب و بغضها و جانبداری ها و دشمنی ها درباره آنان مانع ترسیم چهره واقعی آنها می گردد.

۸-۱- پیشینه تحقیق:

با بررسی منابع موجود در مورد تاریخ صدر اسلام و موارد مربوط به نقش عمروعاص در وقایع صدر اسلام ، کتب و مقاله های زیر یافت شد:

۱- اوضاع احزاب سیاسی در دوران امیر المومنین ، محمود مقدمی ، نشریه : درسهای از

مکتب اسلام، ۱۳۷۹، س ۴۰، ش ۱

۲- سرگذشت صفین، مسئله حمکیت و گروه فشار، جعفر سبحانی تبریزی ، درسهای از

مکتب اسلام، ۱۳۶۶، س ۲۷، ش ۲

۳- سیاست قران بر نیزه و پیمان حکمیت ، جعفر سبحانی تبریزی ، درسهای از مکتب

اسلام، ۱۳۶۶، س ۲۷، ش ۳

۴- سرگذشت صفین ، سپاه اسلام و زمینه سازی برای صلح ، جعفر سبحانی تبریزی ،

درسهای از مکتب اسلام، ۱۳۶۵، س ۲۶، ش ۱۲

۵- تاریخ عمروبن العاص ، حسن ابراهیم حسن، قاهره، مکتب مدبولی ، ۱۹۹۶

۶- محمدبن ابی بکر و اسماء ، جرجی زیدان، عبدالحسین میرزا ، چاپخانه خاور ، ۱۳۲۴

۹-۱- معرفی منابع:

سعی ما بر این بوده که با بکار بردن روش تاریخی و پرهیز از تعصبات مذهبی از موضعی بیطرفانه زندگی عمروعاص را تحریر کنیم. در این تحقیق از کتب سیره و مغازی ، کتب طبقات و تواریخ عمومی بهره برده ایم. بویژه در فصل پنجم ، قضایای مربوط به صفین را از «وقعه صفین» نصر بن مزاحم منقری استفاده نموده ایم.

مغازی

تالیف کتابهای سیره و مغازی از اوایل قرن دوم آغاز شد. هر چه زمان این کتابها به صدر اسلام نزدیک تر باشد از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. یکی از کتب مهم این رشته، کتاب «مغازی» اثر محمد بن عمر واقدی است که در اواخر قرن دوم ه.ق تدوین شده است. ویژگی کتاب نکات دقیق فراوان و ریزکاریهایی است که واقدی ضبط کرده است. به طوری که نه تنها این کتاب، بلکه آثار دیگر واقدی هم از همان قرن سوم مورد استناد دیگر مولفان و نویسندگان قرار گرفت. بلاذری مورخ قرن سوم در کتابهای خود از قبیل «فتوح البلدان» و «انساب الاشراف» مکرر از کتابهای واقدی استفاده و نقل کرده است.

آراء و اخبار واقدی در مورد مغازی رسول خدا مورد استناد هر دو گروه شیعه و سنی قرار گرفته است.

علت اهمیت واقدی شاید در این است که مطالب تاریخی را با روش علمی و فنی بررسی کرده است. او برای نقل مطالب تاریخی به روش منطقی تلاش کرده و روش او تقریباً ثابت است. در بیان هر یک از جنگها، ضمن بیان تاریخ دقیق آنها، نخست فهرست مفصلی از رجال که خبر را از ایشان نقل کرده بیان می کند. هم چنین اسامی اشخاصی که در آن جنگها شرکت داشته اند و اسامی کشته شدگان را نقل می کند.

### فتوح البلدان

«فتوح البلدان» تالیف احمد بن یحیی بن جابر معروف به بلاذری است. فتوح البلدان از جمله منابع کم نظیر تاریخ ایران و جهان اسلام در قرنهای هفتم، هشتم و نهم میلادی به شمار می رود و نه تنها در دوران متاخر بلکه طی قرون متمادی به عنوان یکی از مهم ترین منابع مورد استفاده محققان و تاریخ نویسان بوده است. این کتاب برحسب بلاد مختلف تنظیم شده و تاریخ این بلاد را از زمان توجه مسلمانان به تصرف هر یک از آنها آغاز کرده و غالباً تا عصر خویش ادامه داده است. بدین سبب کار بلاذری با تاریخ نویسانی چون طبری، ابن اثیر و دیگران که به وقایع نگاریهای سالانه و دوره ای پرداخته اند، کاملاً متفاوت است.

هم چنین اثر او سیره نویسی و یا مغازی نیست . بلکه مجموعه کامل تاریخ جهان اسلام می باشد و کتابی نیست که به یک سرزمین یا کشور معین اختصاص داشته باشد. مانند: النجوم الزاهره ابن تعزی بردی ، فتوح المصر و المغرب ابن عبدالحکم.

ویژگی دیگر کتاب ، مقدمه آن است که بلاذری پس از ذکر نام پروردگار شیوه کار خود را تشریح نموده و بلافاصله به اصل مطلب می پردازد. روش بلاذری ادغام و اختصارست. بدین معنا که روایتهای مختلفی را که استماع نموده مورد سنجش قرار داده و نقاط ضعف را رفع کرده و بدین شکل آنها را با یکدیگر درآمیخته و یک کل به دست آورده است.

مزیت دیگر فتوح البلدان این است که به وقایع نگاری اکتفا نکرده و بسیاری از مسائل مختلف در زمینه اجتماعی و اقتصادی را نیز مورد بحث قرار داده است . علاوه بر این فتوح البلدان یک کتاب بزرگ جغرافیایی نیز به شمار می رود. به طوری که یاقوت در کتاب «معجم البلدان» از کتاب فتوح به عنوان یک کتاب مرجع جغرافیایی استفاده کرده است.

#### وقعه صفین

علمای تاریخ به نگارش و ضبط وقایع پیکار صفین توجه بسیار کرده اند. از نخستین کسانی که در این باره به تالیف پرداخته اند ابو مخنف لوط بن یحیی بن سعید بن سلیم ازدی (متوفی ۱۷۰ ه.ق) و نصر بن مزاحم (متوفی ۲۱۲ ه.ق) می باشند. کهن ترین متنی که درباره این پیکار می شناسیم همان وقعه صفین نصر بن مزاحم است . وی مورخی است عرب که به گفته مورخان ، در مذهب خویش غلوی داشته و خاستگاهش کوفه بود. جنگ صفین را با مهارت و به ترتیب آورده و با نهایت دقت تصویری از اصل نبرد را که محور اصل کتاب است برای ما ترسیم می کند و به روایت اخبار گروه های درگیر پیکار و خطبه ها و اشعارشان می پردازد. با آنکه این اشعار شامل سروده های راویان است در تمام کتاب از توفیق رعایت انسجام و هماهنگی و پیوستگی و درستی تصویر و نظم و ترتیب گزارش بی نصیب نیست.

از ویژگی های برجسته «مغازی» واقدی این است که تاریخ عام جنگها معین و مشخص است و حال آنکه در مغازی ابن اسحاق بسیاری از جنگها بدون تاریخ ثبت شده اند.

### تاریخ طبری

«تاریخ الامم و الملوك» مشهور به تاریخ طبری، مهم ترین تاریخنامه روایی و سالشمار اسلامی است. این تاریخ دو بخش عمده دارد: بخش پیش از اسلام؛ بخش پس از اسلام. بخش تاریخ اسلام در تاریخ طبری با زندگی رسول اکرم آغاز می شود و تا پایان سال ۳۰۲ ادامه می یابد. منبع اصلی وی در تاریخ زندگی رسول اکرم، روایات ابن اسحاق است که آنها را به صورت روایات منفرد و با ذکر اسناد و در برخی موارد بدون ذکر اسناد نقل می کند. مفصل ترین بخش تاریخ طبری، دوره خلفای نخستین است که مهم ترین مباحث این بخش واقعه رده؛ فتوحات مسلمانان و وقایع بعد از عثمان تا پایان خلافت حضرت علی علیه السلام است. طبری در تدوین تاریخ خلفا از منابع مورخان استفاده کرده است. البته از کتابهای آنان نام نبرده و فقط روایتشان را با ذکر کامل روایان نقل کرده است. طبری دوره نوینی را در تاریخ نگاری اسلامی آغاز کرد و اثر فراوانی بر مورخان پس از خود گذاشت. به گونه ای که ابن اثیر، ابن کثیر و ابن خلدون در تاریخ شان از تاریخ طبری بهره بسیار برده اند.

### الکامل

کتاب «الکامل فی التاریخ» اثر ابوالحسن عزالدین ابن اثیر، مورخ اسلامی است که شامل وقایعی از آغاز خلقت تا سال ۶۲۸ هجری قمری است. ابن اثیر وقایع مربوط به آفرینش حضرت آدم؛ داستان ابلیس؛ ظهور زرتشت؛ ولادت مسیح تا بعثت حضرت رسول و انقراض ساسانیان تا ظهور اسلام را شرح داده و پس از آن، وقایع تاریخ بعد از اسلام را سال به سال نقل کرده است. منبع اصلی وی تا اواخر قرن سوم تاریخ طبری بوده است. شیوه تاریخ نگاری ابن اثیر شیوه یک مورخ امروزی نیست. او در بسیاری از موارد طوری پیشامدهای تاریخی را توجیه می کند که امروز قابل قبول نیست. اما تفصیلی که او در شرح وقایع قائل شده با جزئیات جالب و نکات و ظرائف دلپسندی همراه است.

ابن اثیر رشته حوادث و اخبار را بر حسب تاریخ وقوع آنها تنظیم نموده است. ابن اثیر در گردآوری مطالب تاریخی و تحقیق راجع به آنها محتاط بوده و هر چیزی را نیک بررسی کرده، سنجیده و چنانچه آن را نادرست یافته دلیل نادرستی آن را بی پروا ذکر کرده است.

### شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

شرح نهج البلاغه اثر عزالدین ابوحامد عبدالحمید بن هبه الله بن محمد بن حسین مذائنی، مشهور به ابن ابی الحدید، دانشمند معتزلی است. اهمیت شرح نهج البلاغه، با چشم پوشی از نقاط ضعف عقیدتی، عمدتاً در گزارش های مفصل تاریخی است. او در تدوین این گزارشها علاوه بر استفاده از منابع مشهوری چون «اغانی» ابی الفرج اصفهانی، «سیره» ابن هشام و تاریخ طبری، از برخی منابع نادر استفاده کرده که امروزه از میان رفته یا در دسترس قرار ندارند. با این همه ابن ابی الحدید گاه چنان در نقل حوادث تاریخی راه افراط را در پیش می گیرد که می توان تاریخ ابن ابی الحدید را از شرح نهج البلاغه وی به سان کتابی مستقل استخراج کرد. گاه در پاره ای موارد اصلاً اشاره ای به حادثه تاریخی نمی کند. از دیگر ویژگی های این کتاب استفاده مولف از منابع تاریخی و کلامی گروه های مختلف شیعی و سنی است. این شرح از جهات محتوایی با دیگر شروح متفاوت است. به طوری که این شرح را می توان دایره المعارفی از علوم ادبی، کلام، فقه، اخلاق، تاریخ صدر اسلام، انساب و فرهنگ عامه عرب دانست. او در هر فصلی کارها و وقایع تاریخی مربوط به آن را شرح داده و اشاره هایی نیز در علم توحید و عدل آورده است. در جایی که نیاز بوده از مثلها و نکات استفاده کرده و اشاره ها و رموزی که امام علی (علیه السلام) بیان فرموده را توضیح داده است.

یکی از ویژگی های ابن ابی الحدید این است که از هر گونه تعصب بی جا دوری گزیده و سعی کرده است تا آراء گوناگون را عرضه کند. یکی از علل طولانی شدن شرح نهج البلاغه پرداختن به وقایع تاریخی مرتبط با خطبه های امام علی (ع) است. به گونه ای که شاید بتوان کتاب او را در زمره منابع تاریخ عصر علی بن ابی طالب قلمداد کرد. او در گزارش وقایع و حوادث تاریخ از دو روش سندی و روش محتوایی بهره برده است تا به حقیقت معنای کلام امام دست پیدا کند.

## فصل دوم:

عمرو بن عاص پیش از ظهور اسلام

## ۲-۱- مادر عمرو

عمرو بن عاص پیش از بعثت پیامبر در طائف یا مکه به دنیا آمد. مادرش لیلی یا سلمی دختر خزیمه، کنیزی از قبیله عنزه بود که پس از حمل، عمرو را به عاص بن وائل نسبت داد. به دلیل نامشخص بودن پدر عمرو، نخست به شرح حال مادرش می پردازیم.

خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰ ه.ق) درباره سلسله نسب مادر عمرو می نویسد:

«و أم عمرو بن العاص النابغه من بنی خلفان بن عنزه بن اسد بن ربیعہ بن نزار»

در منابع اهل سنت از مادر عمرو، به عنوان یکی از روسپیان بنام دوره جاهلیت و ملقب به نابغه یاد شده است. به همین دلیل بسیاری با هدف تحقیر عمرو، وی را یابن النابغه مخاطب ساخته اند. اصولاً عادت عرب بر این بود که گاه فرزند را به مادرش که به خوبی یا بدی شهرت داشت نسبت می دادند. از سوی دیگر نزد اعراب نسبت دادن فرد به مادرش به نوعی تحقیر سلاله پدری او محسوب می شد. لذا اصحاب پیامبر مانند: امیرالمومنین علی، مالک اشتر، عمار و کسانی چون عثمان و مغیره بن شعبه در مواضع مختلف با خطاب یابن النابغه، عمرو بن عاص را مورد طعن و تحقیر قرار داده اند و در واقع با این عنوان به بی عفتی مادرش تصریح کرده اند. (ابن جوزی، بی تا، ۱۱۴)

زمخشری (م ۵۳۸ ه.ق) درباره مادر عمرو می نویسد:

«نابغه، مادر عمرو بن عاص، کنیز مردی از قبیله عنزه بود. سپس اسیر شد و عبدالله بن جدمان وی را خرید و چون بدکاره بود آزادش کرد. سپس در طهر واحد (یک دوره ماهیانه عادتی زنان) ابولهب، امیر بن خلف، هشام بن مغیره، ابوسفیان بن حرب و عاص بن وائل با او همبستر شدند. پس از چندی نوزادی (عمرو) از وی متولد شد که هر پنج نفر مذکور مدعی پدری نوزاد شدند و برای رفع

اختلاف مادرش را حکم قرار دادند. او گفت عمرو فرزند عاص است و چون عاص به نابغه انفاق و کمک مالی می کرد. ولی گفته اند به ابوسفیان شبیه تر بوده است.»

ابن ابی الحدید معتزلی، دانشمند معروف اهل سنت، (متوفی ۶۵۶ ه.ق) نیز روایت دیگری را با تفصیل بیشتر و تفاوت‌هایی بدین صورت نقل می کند که:

«در روز ولادت عمرو دو نفر بر سر او در ستیز شدند. ابوسفیان، عاص بن وائل. به این دو گفته شد که مادر او در این باره داوری کند. مادر عمرو گفت: نوزاد از عاص بن وائل است.

ابوسفیان گفت: من هیچگونه شک و تردیدی ندارم که او را من در رحم مادرش نهاده ام. ولی مادر عمرو جانب ابوسفیان را نگرفت و همچنان نسبتش را به عاص می داد. به او گفته شد که ابوسفیان از حیث نسب شریف تر از عاص است. گفت: درست است ولی عاص بن وائل بر من انفاق بیشتری می کند و ابوسفیان مرد بخیلی است.»

حسان بن ثابت در همین مورد در پاسخ عمرو بن عاص که پیامبر را هجو و نکوهش کرده بود اشعاری سروده بدین مضمون: «ای عمرو پدرت ابوسفیان است و در این تردیدی نیست و در میان ما دلائل روشنی در این باره آشکار شده است. پس اگر میخواهی فخر کنی به ابوسفیان فخر کن ولی به عاص بن وائل فرومایه افتخار مکن. مادرت به این جهت تو را به عاص نسبت داد که از بذل و بخشش او برخوردار بود و هم بدان چشم دوخته بود. پس هر گاه مردم در تشخیص زنازادگان گرد هم آمدند تو ای عمرو نسبت خود را آشکار کن.»

امام حسن نیز در سال ۴۰ ه.ق بعد از صلح با معاویه در کوفه در حضور جمعی به عمرو عاص گفت: «اما تو ای عمرو بن عاص ... تو سگی هستی که پنج نفر از مردان قریش ادعای پدری تو را دارند و در میان آن پنج نفر، کسی که نژادش از همه پست تر و جایگاه اجتماعیش از همه فرومایه تر بود بر سایرین غلبه یافت و تو را به خود نسبت داد و بدین گونه تو بر بستری مشترک به دنیا آمدی.» (ابن ابی

الحدید، ۱۳۷۸، ۲۹۱)

سبط بن جوزی (م ۱۵۴ ه.ق) نیز می نویسد:



«نابغه ، مادر عمروعاص، از زناکاران و روسپیان صاحب پرچم (برخی زنان بی عفت مکه برای اعلام این موضوع بر پشت بام خانه خودشان پرچمی نصب می کردند.) در مکه بود. عاص بن وائل به همراه عده ای دیگر از قریش من جمله ابولهب، امیر بن خلف، هشام بن مغیره و ابوسفیان در طهر واحد! او همبستر شدند و زمانیکه نابغه به عمرو حامله شد در باب این که فرزند متعلق به کیست با هم نزاع و گفتگو کردند و زمانیکه نابغه وضع حمل کرد پنج نفر فوق با هم ستیز شدند و هر کدام گمان می کردند که نوزاد متعلق به اوست و در این بین عاص بن وائل و ابوسفیان حرب بیشتر از بقیه پافشاری می کردند و هر کدام از این دو نفر می گفتند که نوزاد از آن من است پس نابغه را حکم قرار دادند و او نیز نوزاد را به عاص ملحق ساخت.

به مادرش گفته شد چرا عمرو را به عاص نسبت دادی در حالی که ابوسفیان با شرافت تر از عاص است. گفت: ابوسفیان مرد بخیلی است و حال آنکه عاص بخشنده است و به دخترانم انفاق می کند ولی ابوسفیان به دخترانم انفاق نمی کند».

نکاح در عهد جاهلیت به چهار روش بوده است. از جمله نکاح البنا یا (زناکاران) که چنین معمول بوده که گروهی با زن زناکار یکی پس از دیگری همبستر می شدند . اگر آن زن باردار می شد ، بعد از وضع حمل ، بچه به کسی ملحق می شد که شبیه تر به او بود. روش دیگر، نکاح جمع بود که جمعی کمتر از ده نفر با زنی زناکار که صاحب پرچم بود همبستر می شدند و چون باردار می گشت و وضع حمل می نمود و چند شب از آن می گذشت، آن جمعی را که با او همبستر شده بودند می طلبید و آنها هم مجبور به آمدن بودند و نزد آن زن جمع می شدند. سپس روی به آن جمع می گفت :شما همگی از عملی که با من انجام داده اید مطلعید. اکنون من فرزندی به دنیا آورده ام. بعد به هر یک از حاضرین که علاقمند بود و خطاب می کرد ای فلانی! این فرزند از آن تو است و در نتیجه نوزاد به او ملحق می شد و او هم حق امتناع نداشت ولو اینکه هیچگونه شباهتی با نوزاد نداشته باشد و یا شباهتش از دیگران کمتر باشد.» (حلبی، بی تا، ۴۳)

سپس حلبی می افزاید: « بنا بر این احتمال می رود که که مادر عمرو بن عاص از این دسته بوده است » (یعنی با نکاح جمع با عده ای مقاربت نموده و عمرو را به عاص که علاقمندی بیشتری به او داشته است ملحق نموده است) این احتمال بدان جهت است که گفته شده چهارنفر با او همبستر شده اند: عاص، ابولهب، امیر و ابوسفیان که هر یک از آنها ادعا می کردند که عمرو فرزند من است ولی نابغه عمرو را به عاص ملحق نمود چون او مخارج دختران نابغه را عهده دار بوده است. آنچه آوردیم تنها اشاره کوتاهی بود به انبوه مطالب مربوط به نابغه مادر عمرو که اصول اولیه اخلاقی را رعایت نمی کرد و از ارتباط نامشروع با افراد متعدد ابائی نداشت. عمرو بن عاص در دامن چنین زنی پرورش یافته است.

## ۲-۲- پدر عمرو

پیش از این آوردیم که بعد از تولد عمرو عده ای ادعای فرزندگی او را نمودند و در این میان عاص بن وائل بر سایرین غلبه یافت و نابغه عمرو را به عاص ملحق ساخت. لذا از آن روز به بعد در میان مردم و بس در کتب انساب و تاریخ، عمرو پسر عاص بن وائل تلقی شده است. در حالی که دقیقاً معلوم نیست پدر واقعی عمرو چه کسی بوده است. عاص بن وائل، زناکار معروف مکه، از طایفه بنی سهم قبیله قریش است. طایفه بنی سهم از کم اهمیت ترین و پست ترین طوایف قبیله قریش است. لذا عمرو بن عاص از طرف پدر هم، با فرض اینکه عاص پدر عمرو بوده باشد، توفیقی نداشته است. عاص بن وائل از طریق معالجه اسبان و شتران و یا قصابی امرار معاش می کرده است. او از جمله سران قریش بود که برای داوری به او مراجعه می کردند. وی در جنگ فجار دوم که بیست سال بعد از عام الفیل به وقوع پیوست به عنوان فرمانده طایفه بنی سهم حضور یافت. عاص در دوره جاهلیت از آن جا که به هیچ اصل انسانی و اخلاقی معتقد نبود، ضمن ارتباط با فاحشه های معروف آن زمان، به حقوق و اموال مردم نیز تعرض می کرد. به عنوان مثال مرد بازرگانی در مکه اموالش را به عاص فروخت ولی وی از پرداخت بهای آن امتناع می کرد. تا اینکه آن مرد تاجر بر فراز کوه ابوقبیس رفت و مردم را به دادخواهی طلبید.

در نتیجه عده ای از غیرتمندان قریش و نیز پیامبر اکرم که در آن زمان در سنین جوانی بود، با تجمع در منزل عبدالله بن جدعان و امضای پیمان «حلف الفضول» حق آن مرد را از عاص بن وائل ستاندند. او بعد از ظهور اسلام نه تنها به پیامبر ایمان نیاورد بلکه به یکی از سرسخت ترین دشمنان و استهزاءکنندگان پیامبر اسلام مبدل شد. (بلاذری، ۱۴۱۷، ۱۵۷)

یکی از مسائلی که بیشتر اوقات دستمایه استهزاء و تمسخر مشرکان به ویژه عاص بن وائل قرار گرفت اولاد ذکور نداشتن حضرت رسول بود. وقتی آخرین فرزند پسر پیامبر از دنیا رفت، عاص بن وائل پیامبر اکرم را ابتر (کسی که فرزند پسر ندارد و به اصطلاح اجاق کور می باشد) نامید و خداوند متعال در تایید و دلداری پیامبر و نکوهش عاص بن وائل آخرین آیه سوره کوثر «انّ شأنک هوالابتر؛ همانا دشمن تو ابتر است» را نازل فرمود. (ابن هشام، ۱۴۱۵، ۷)

در این که منظور آیه از «ابتر» چیست؟ در بین مفسران اختلاف نظر می باشد. برخی از مفسران مشهور اهل سنت ابتر را بریدگی از مردم و یا انقطاع از خیر تفسیر کرده اند. ولی علامه طباطبایی این تفسیر را از آنجا که با شأن نزول آیه مطابقت ندارد بی وجه می داند.

شیخ طبرسی در ذیل آیه مورد بحث به عنوان یک قول معنای ابتر را اینطور ذکر می کند که عاص فرزند ندارد و هر کس به عنوان فرزند به او نسبت داده می شود فرزند حقیقی او نیست. البته مفهوم آیه وسیع است و ممکن است تمام تفاسیر فوق را در بر بگیرد.

عاص بن وائل در هیچ شرایطی دست از دشمنی با رسول خدا و مسلمانان بر نداشت و حتی زمانی که پیامبر و اصحابش در شعب ایطالب، تحت محاصره بودند، وی و دیگران مواظب بودند مبادا آذوقه ای به درون شعب برده شود. بر سر راه های منتهی به شعب کمین می کردند و کاروانها را تهدید می کردند که در صورت فروش آذوقه به بنی هاشم اموال ایشان را غارت خواهند کرد. وی معتقدات اسلامی را آشکارا به استهزاء می گرفت و پرداخت طلب «جناب بن الارث»، یکی از یاران پیامبر، را به کافر شدن وی به پیامبر مشروط کرده بود و یا با تمسخر می گفت: «هر گاه روز قیامت مبعوث شدم طلب تو را پرداخت می کنم.»

روزی عاص به اتفاق گروهی از کفار به ابوطالب گفتند:

«یا او را از ما بدار یا او را به ما واگذار».

و یا روزی دیگر به پیامبر پیشنهاد دادند که تو خدایان ما را پرستش کن که خداوند در ردّ سخنان

اینان سوره قل یا ایها الکافرون را نازل فرمود. (همان، ۳۰۲)

دیگر بار خدمت ابوطالب می رسیدند و می گفتند: «محمد را به ما تحویل بده تا وی را بکشیم. در عوض عماره بن ولید را به تو می بخشیم ولی هر بار با خواری پس از رد خواسته شان باز می گشتند».

بار دیگر عاص بن وائل به همراه جمعی از کفار به حضور پیامبر رسیدند و ایمان آوردنشان را به شق القمر، توسط پیامبر مشروط کردند. اما ایشان پس از این واقعه مشهور هم ایمان نیاوردند و پیشنهاد مذکور را فقط برای مسخره کردن مطرح کرده بودند. (ابن کثیر، ۱۴۱۸، ۴۵۸)

تعدادی از آیات قرآن مجید در مذمت و نکوهش عاص بن وائل و دیگران نازل شده است. هر چه از زمان ظهور پیامبر بیشتر می گذشت بر دشمنی دشمنان حضرت از جمله عاص بن وائل افزوده می شد. تا اینکه به اتفاق جمعی از کفار مکه در دارالندوه جلسه ای تشکیل داده، بر قتل پیامبر هم پیمان شدند.

سرانجام پس از آنکه مستهزئین پیامبر از جمله عاص بن وائل دشمنی را از حد گذراندند، خداوند با نزول آیه «انا کفیناک المستهزئین» خبر از نابودی قریب الوقوع اشان داد و زمانی نگذشت که خداوند توسط جبرئیل، عاص بن وائل و دیگر مستهزئین را به هلاکت رساند. (بلاذری، ۱۴۱۷، ۱۵۷)

نحوه مرگ عاص بن وائل در منابع تاریخی به اشکال گوناگون آمده است. ابن اثیر می نویسد: «روزی عاص الاغ خویش را سوار شده روانه دره ای در کوهستان مکه گشت که الاغ او بخسبید و گزنده ای پای وی را بگزید. پایش باد کرد چنان که به اندازه گردن شتر شد وی دو ماه پس از هجرت پیامبر در مکه در سن ۸۵ سالگی از دنیا رفت».